

بیانات در دیدار حجة الاسلام والمسلمین ری شهری، سرپرست حجاج و اعضای بعثه رهبری - 23 / تیر / 1370

بسم الله الرحمن الرحيم

در ابتدا باید به ناتوانی و عجز خودمان از ادای شکر حضرت باری تعالی اعتراف کنیم، که هرچه شد، به تفضل و عنایت حضرت حق بود. همینی هم که خدای متعال بحمدالله مردان لایق و کارآمدی را بر اداره‌ی این مراسم برانگیخت، خود از الطاف باری تعالی بود. واقعاً به مردم ما یک عیدی داده شد و دست شفایی از سوی مرکز غیبی لطف و رحمت، و از طرف ولی عصر (ارواحنا فداه) بر سر این مردم کشیده شد، که بعد از رحلت امام بزرگوار، واقعاً این مردم سزاوار بودند که چنین لطفی از طرف پروردگار به آنها بشود. گمان من این است که روح مبارک امام هم از آنچه که پیش آمد، خشنود است.

ماها می‌دانیم، برادران دست‌اندرکار هم همه می‌دانند که ایشان در سال آخر حیات نورانی و مبارکشان، خیلی به فکر حج بودند و خیلی مایل بودند که این مسأله انجام بشود. البته مقدر نبود که این کار در حیات آن بزرگوار انجام بشود، ولی بحمدالله در این زمان شد؛ خدا را سپاسگزاریم. خودمان را کوچکتر از آن می‌دانیم که در این باران رحمت الهی، برای خویش کمترین نفعی قایل باشیم. امیدواریم که خداوند این زحمات فراوان را از شماها قبول کند و فضل و رحمت خود را همواره بر سر این مردم مستمر و جاری بدارد.

واجب و لازم است که من به عنوان یک فرد کوچک و خدمتگزار، از برادران عزیزی که در این کار از جان و فکر و وجود خودشان مایه گذاشتند و در این خدمت بزرگ همگانی نقش ایفا کردند، صمیمانه تشکر کنم؛ از برادر عزیزمان جناب آقای ری شهری، تا بقیه‌ی آقایان علمایی که تشریف دارند، جناب آقای جمارانی، تا برادران حج و زیارت، جناب آقای رضایی، و سایر کسانی که به نحوی دست‌اندرکار این قضیه بودند؛ هم در بخش اداری و تشکیلاتی و سیاسی و مدیریتی و تدارکاتی - که بخش واضح و بارزی است - و هم در بخش آن ظرافتها و محتوای بسیار مؤثر - اگرچه در میدان ارزیابی کم‌نمود است - و نیز آن کسانی که همفکری کردند، آن کسانی که کارهای زحمتدار را انجام دادند - که جناب آقای پورنجاتی به بعضی از آنها اشاره کردند - همچنین کسانی که آن نوشته‌ها را منتشر کردند، آن عکس مبارک حضرت امام (رضوان الله علیه) را کشیدند - که جناب آقای ری شهری برای من نقل کردند، حدود دوازده روز، و هر روز چندین ساعت، یک نفر در آن فضای بسته خودش را مصروف این معنا می‌کرد، تا این عکس را زیبا از کار در بیاورد و جلوی چشم مردم رهگذر قرار دهد - کسانی که آن پلاکاردها و تابلوها را درست کردند، آن ماکت قدس را ساختند، و خلاصه این که نوشتند، کشیدند، ساختند، پرداختند، واقعاً میلیونها لحظه‌ی فعال دست به هم دادند، هزاران فکر صائب و هزاران نیروی مفید در کنار هم قرار گرفتند، تا توانستند این محصول را برای عالم اسلام فراهم کنند. خدا را شکر می‌کنیم و شماها را سپاس می‌گوییم.

امیدواریم که هر کدامتان هر مقداری که تلاش داشتید - که خدای متعال به آن اعلم و اعرف است و ما کوچکتر از آن هستیم که بخواهیم در این زمینه‌ها اظهار اطلاع بکنیم؛ شما خودتان بهتر از ما می‌دانید - ان شاءالله خداوند به شما پاداش بدهد و توفیقاتتان را اضافه کند و از شما قبول نماید.

آن چیزی که من مفید می‌دانم عرض بکنم، این است که حج حادثه‌ی است که هر سال یک بار اتفاق می‌افتد؛ اما از آن حوادثی است که می‌سزد اگر یک سال یک جمع عاقل، عالم، هوشمند و توانا، برای آن چند روز برنامه‌ریزی و تلاش کنند. بله، من این حرف را که در گزارش آمده بود، قبول دارم که برنامه‌ریزی خوب، در صحنه‌ی عمل خودش را نشان

می‌دهد؛ اگرچه هیچ سالی را با سال دیگر نمی‌شود مقایسه کرد و هر سالی مسائل خودش را دارد. امسال مسائل خاصی بود، شکل خاصی بود و مهره‌های سیاستهای جهانی، ترکیب خاصی داشتند. شما از این فرصت استفاده کردید و این حضور را به این شکل نشان دادید؛ سال دیگر نمی‌دانیم که چگونه است. این طور نیست که هر سالی قطعاً بتواند الگوی سال دیگر بشود؛ نه، ممکن است سال بعد حادثه‌ی کوچک یا بزرگی اتفاق پیدا کند که کل هندسه‌ی این صحنه و عرصه‌ی ترسیم شده را عوض کند. آن وقت این مجموعه، مرکز و شعاع دیگری پیدا خواهد کرد. برنامه‌ریزی باید اصولی و عمومی و کلان باشد. البته اگر جزئیات هم فرض بشود، خوب و لازم است؛ منتها باید با آن حالت بلندنظری باشد، تا انسان بتواند هر شرایطی را به خدمت بگیرد.

آنچه که مهم است، این است که ببینیم حج از ما چه می‌طلبد. ما امروز حکومت اسلامی هستیم؛ ادعای ما این است. ما معتقدیم که حج، جا و میدان ماست. این میدان، با عظمت است. معلوم است که عظمت این میدان، همان یکی، دو میلیون آدمی که آن جا هستند، نیست؛ بلکه کل دنیای اسلام است؛ چون هر کدام به شهرها، کشورها و خانه‌های خودشان می‌روند و خبری از حج می‌برند. پس، شما از اندونزی تا اروپا را زیر پوشش گرفته‌اید.

مسلمانان همه در حج بودند و شما آن جا حضور داشتید. اگر شما در حج که هستید، بتوانید آن کاری را که «و تکنونوا شهداء علی الناس» (1) ایجاب می‌کند، انجام بدهید، تمام دنیای اسلام را زیر پوشش گرفته‌اید. کاری انجام شده، که با هیچ وسیله‌ی دیگری آن کار امکان ندارد. یعنی اگر ما روزنامه‌یی داشته باشیم و بتوانیم آن را در خانه‌ی این تعداد آدم در سراسر دنیا بفرستیم، نمی‌تواند آن اثری را داشته باشد که حضور این جمع و تشکیل این جماعت و دیدن اشخاص و ابدان شماها برای آنها ممکن است این اثر را بگذارد. این، یک چیز دیگر است؛ بخصوص که منطقه، منطقه‌ی عجیبی است. آن جا زمینها متبرک است. هر کس وارد مکه و مدینه می‌شود، به نظر من اول باید خم بشود و آن زمینها را ببوسد. این جا، جاهایی است که کف پای پیامبر، کف پای امیرالمؤمنین، کف پای فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها)، کف پای سلمان به همین زمینها خورده است. این وادیهای مختلف مکه، این شعبها، این مراکز گوناگون در مدینه و در مکه، تقدس بسیاری دارد. اصلاً محوطه، محوطه‌ی عجیبی است؛ مثل این که از عالم دیگری آورده‌اند و در این دنیای ما گذاشته‌اند؛ برای ما این گونه است. از یک طرف، چنین جایگاهی وجود دارد؛ از طرف دیگر، این شما باید که باید «و تکنونوا شهداء علی الناس» (2) باشید. باید از حالا برنامه را بر این اساس بریزید.

این مراسم برائت، مراسم بسیار مهمی است. واقعاً گل سرسبد جماعی حج ما همین مراسم برائت است. هر مجموعه، آرم و شعاری دارند؛ آرم ما هم این است؛ لیکن همه چیز، این نیست. ما باید خودمان را برای پاسخ صحیح و مناسب به هر سؤال احتمالی که بر زبانها بیاید و احیاناً بعضی بر زبانها نیاید، ولی از ما وجود دارد، آماده کنیم و آن پاسخها را به صورت جزوه، کتاب، انسان آماده‌ی به حرف، و تماسهایی که باید گرفته بشود، حاضر کنیم.

امسال من داعی بیشتری بر استطلاع از مسائل حج داشتم و زیاد سؤال می‌کردم. برای من از معنویت حجاج ایرانی در حج تعریف می‌شد؛ شاید سالهای دیگر هم همین طور بوده است. برادران نقل می‌کردند که نیمه شبها عده‌ی زیادی از ایرانیها در گوشه و کنار مسجدالحرام و یا در عرفات ایستاده بودند و نماز شب می‌خواندند، یا حال توجه داشتند. اینها خیلی مهم است. من خودم در حج مجموعه‌یی را دیدم که یک حال معنوی داشتند. وقتی فهمیدم متعلق به کدام کشورند، در احساس و درک من نسبت به مردم آن کشور اثر گذاشت. سالها هم گذشته، اما این قضیه از یادم نمی‌رود.

ما در حج باید بتوانیم فرهنگ و اخلاق و منش و رفتار مردم خودمان را طوری بکنیم که اینها الگو بشوند و کسانی که نگاه می‌کنند، یادشان نرود؛ لااقل چیزهای برجسته‌یی را از ایرانیها بگیرند. این شاید در مواردی، اثرش از آن

سوءظن بیشتر باشد. این قدمی نیست که بگوییم برداشته بشود، تا شما بگویید که کار ما نیست؛ نه، همان مقداری که مربوط به حج است، باید انجام بگیرد. بنابراین، از دیدگاه تأثیر بر روی ملت‌های مسلمان، این مسأله‌ی اساسی و مهم وجود دارد.

اما از دید همان صدوبیست هزار نفری هم که خودمان برمی‌داریم می‌بریم یک مسأله‌ی مهم است. صدوبیست، سی هزار، صدوپنجاه هزار، ان‌شاءالله در آینده دویست هزار نفر زن و مرد و پیر و جوان را برای مدت بیست یا بیست‌وپنج روز، در حساسترین مناطقی که می‌شود انسان حرفی را مؤثر در ذهنها فرو کند، به ما می‌سپارند. این، فرصت بسیار استثنایی و خیلی عجیبی است. وقتی که یک مشت آدم را در مدت یک هفته به اردویی می‌برند، می‌گوییم برای تأثیرگذاری عجب میدان خوبی است. این اردوی صدوپنجاه هزار نفری را به دست ما سپرده‌اند و ما داریم آنها را می‌بریم؛ تأثیرات زیادی می‌شود روی ذهنها گذاشت. بحمدالله ما سرمایه‌های گرانقدری هم داریم؛ آقایان اهل علم، صاحبان فکر، صاحبان زبانها یا روشهای مؤثر. با این دید نگاه کنیم که ما یک عده را به اردو برده‌ایم و می‌خواهیم روی اینها اثر بگذاریم، و وقتی که برمی‌گردند، منقلبشان کرده باشیم؛ که حج هم اصلاً برای منقلب شدن است. حج باید ما را معنوی کند. وقتی برمی‌گردیم، واقعاً باید معنوی شده باشیم. هر کس برمی‌گردد، بایستی کأنه از عالم معنا و از بهشت برگشته باشد. افراد باید چنین حالتی داشته باشند. برای این هم بایستی برنامه‌ریزی مفصلی بشود.

حقیقت قضیه این است که حج متعلق به ماست. اصلاً حج میراث متقین است. متقین کجایند؟ متقین در این کشورند. نه این‌که در کشورهای دیگر مسلمان و آدم با تقوا نیست - چرا هستند - اما خط و راهشان غلط است. جمع و فئه‌ی مؤمنه‌یی که در راه پیامبر و ائمه حرکت می‌کنند، در دنیا چه کسانی هستند؟ همین مردمی که در ایران زندگی می‌کنند. بالاخره حج متعلق به اینهاست. حج، میراث این ملت و میراث این انقلاب و متعلق به آن است.

ما باید از همه‌ی مظاهر و ظواهر و شعایر حج استفاده نکنیم. مثلاً ببینیم در عرفات چه استفاده‌یی می‌توان کرد. منظورم صرفاً استفاده‌ی سیاسی نیست. البته بخشی از آن، استفاده‌ی سیاسی و انقلابی است و هرچه می‌شود، باید استفاده کرد. یا مثلاً در منی، یا در خود مکه، یا در مدینه، چه استفاده‌یی می‌توان کرد. در بحبوحه‌ی اعمال حج، چه استفاده‌هایی می‌توان کرد. بعد از ایام حج - که یک مقدار فراغت و آرامش هست و احساسات مردم فروکش کرده و دنبال کارهای متفرقه‌اند - چه استفاده‌هایی می‌توان کرد. یعنی ما باید برای دانه‌دانه‌ی اینها برنامه داشته باشیم. نمی‌گوییم که از امسال تا سال آینده این برنامه‌ها تنظیم بشود؛ اما هدف و جهت باید این باشد.

جمهوری اسلامی حج را شناخت. این، بصیرت امام بود. امام درست در سربندهای اساسی انگشت گذاشته بود. در اسلام خیلی واجب وجود دارد، روزه هم یک واجب اساسی است؛ اما امام روی نماز جمعه و روی حج - یعنی آن بخشهای حساس و سربندهای مهم - خیلی تکیه کرد و دایم از سال اول نسبت به حج حرف داشت و پیام می‌داد. البته من یادم است که ایشان از قبل هم - یعنی سال 41 - به حجاج پیام می‌دادند. بعد از آن مبارزات اولیه‌ی مربوط به انجمنهای ایالتی و ولایتی، و بعد از آن که دولت انجمنها را قبول کرد، فاصله‌یی شد. در این فاصله که بین زمستان تا فروردین بود، حادثه‌ی مدرسه‌ی فیضیه واقع شد، که فاصله‌ی تلخی بود؛ تحرك بود و تلاش بود و خطر، و ما نمی‌دانستیم که چه کار می‌خواهد بشود. من یادم است که یک شب به همراه مرحوم آقای شیخ علی حیدری نهادنی - از شهدای حزب جمهوری اسلامی - و دو نفر دیگر خدمت امام رفتیم، تا پیشنهادهایی که راجع به حج به ذهنمان می‌رسید، با ایشان در میان بگذاریم. یکی از پیشنهادهایی ما این بود که به مناسبت موسم حج، خوب است پیامی از جانب ایشان صادر شود؛ اما ایشان گفتند که من نوشته‌ام! معلوم شد که ایشان برای حج اعلامیه نوشته‌اند و فرستاده‌اند. یعنی در سال 41 که هنوز اول مبارزات بود و هیچ خبری نبود، ایشان آن مواقع اساسی دین را شناخته بودند و به آن اهمیت می‌دادند.

حج متعلق به ماست. ما باید جهت حج را طوری قرار بدهیم که جمهوری اسلامی، یعنی انقلاب، یعنی همان اسلام راستین و همان میراث حقیقی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم). این را ما بایستی محل استفاده‌ی مؤمنین قرار بدهیم؛ و حج از این قبیل است. اینها باید برنامه‌ریزی بشود.

من می‌دانم که در ضرورت‌های منطقه‌یی و جهانی، بالاخره این حکام سعودی علی‌رغم وابستگی‌های شدیدی که دارند، چاره‌یی ندارند، جز این که در باب حج با ما کنار بیایند؛ دشمن هم می‌داند. اینها مجبورند که در قضیه‌ی حج، با یک کشور اسلامی به این عظمت کنار بیایند؛ به شرطی که احساس کنند ما جدی هستیم.

سیاست‌های جهانی، نسبت به کوچکترین کارهای ما حساس است. ما بایستی کار را، هم دقیق و هم هوشمندانه، و هم نه چندان آشکار و واضح انجام بدهیم. یعنی لزومی ندارد که از همین حالا بگوییم که ما می‌خواهیم برویم حج را - نه مکه را - فتح کنیم؛ اما باید واقعاً نیتمان این باشد. ما باید حج را فتح کنیم و ان‌شاءالله برنامه‌ریزی را بر این اساس انجام بدهیم.

شنیدم که بحمدالله بازرسیها و گزارش‌گیریهای خوبی هم انجام گرفته است. بخشهای گوناگون قاعدتاً نواقصی داشتند؛ هیچ کاری بی‌نقص نیست. یکی از کارهای اساسی که ان‌شاءالله بایستی خود جناب آقای ری‌شهری و برادران همکار ایشان دنبالش بروند، رفع جدی نقایص است. ببینیم در کدام بخش، کجای کار نقیصه وجود داشته است، آن نقیصه را باید برطرف بکنیم؛ هیچ ملاحظه‌کاری هم نباید انجام بگیرد. در این بخش، این برنامه‌ریزی شده بود، این مدیریت بود، این نقص را داشت؛ به هر قیمتی که هست، باید این نقص را برطرف بکنیم، تا ان‌شاءالله روزبه‌روز کامل بشود.

من مجدداً روی نوشته و جزوه و کتاب تکیه می‌کنم. البته یقیناً آن‌جا با اشکال مواجه خواهد شد؛ لیکن هیچ اشکالی نیست که مفر و مخرجی نداشته باشد. باید کتابها و جزوه‌هایی نوشته بشود، پاسخهایی روشن به سؤالهای مقدر داده بشود؛ هر روز هم سؤالی وجود دارد. بعضی از سؤالها همیشه تکرار می‌شود؛ لیکن بعضی از سؤالها موسمی و وابسته‌ی به حوادث جاری است. بایستی این سؤالها با بهترین بیان، با زیباترین ترجمه و با چاپ مناسب آماده شود و در اختیار باشد و ان‌شاءالله در آن‌جا داده بشود.

بار دیگر از جناب آقای ری‌شهری و بقیه‌ی برادران عزیز که واقعاً همه زحمت کشیدند و من از مجاری اموری که هست، بی‌اطلاع نبودم - هم در خلال کار می‌فهمیدم، هم بعداً برادرانی که آمدند، نقل کردند - می‌دانم که چه قدر بیدارخوابی، چه قدر زحمت، چه قدر تلاش انجام گرفته، تا آن‌که این کار به این خوبی بحمدالله ظاهر شد. از همه‌ی آنها صمیمانه تشکر می‌کنم و امیدوارم که خدای متعال خودش همه‌ی شما را مأجور و مثاب و موفق بدارد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

(1) حج: 78

(2) حج: 78